

اقتصاد

نوبد محمدزاده کم‌دین شد!

«زودپز» رامبد جوان در «فجر» می‌ترکد؟

صفحه ۸



پشت پرده شیوه فروش پوشاک توسط برندهای داخلی

قیمت لباس ایرانی در هاله‌ای از ابهام

۵

گامی در جهت کاهش ناترازی برق

احداث نیروگاه خودتامین صنایع

۶

خسارت‌های واردشده به محیط‌زیست باید ارزیابی شود

ریزش پایه‌های احداث پتروشیمی میانکاله

۳

ماجرای یک تحصن و استعفا

چالش‌های لحظه آخری قالیباف

بگومگوهای چندساله نادران و قالیباف حالا به مرحله تحصن و استعفا رسیده و آقای رئیس در ماه‌های آخر ریاستش باید با چالش استعفای یک نماینده منتقد به نحوه ریاستش روبرو شود.

فقط چندماه تا پایان ریاست قالیباف بر مجلس یازدهم باقی مانده است، عزم او تکیه زدن بر کرسی ریاست مجلس آینده است اما نه این ۴ سال برای او راحت سپری شد نه پیش‌بینی‌ها از ریاست او بر مجلس آینده چندان قطعی و امیدوارکننده است.

او در همین روزهایی پایانی مجلس یازدهم هم گرفتار نندها و گلایه‌ها از گوشه و کنار صحن است، حملات پایداری‌ها نه تنها کمتر نشده که شدت بیشتری گرفته است، نمایندگان مستقل مجلس گاه و بیگاه نقدهایی به او وارد می‌کنند و البته هم طیفان اصولگرایش هم صریحتر از قبل از نحوه مدیریت او بر پارلمان گلایه‌مند هستند، آنقدر که او را متهم به «دیکتاتوری» کنند. در این میان اما برخی نمایندگان مجلس طی ۴ سال اخیر بارها خود را رویاروی قالیباف قرار داده‌اند و او را به چالش کشیده‌اند، از جمله آنها الیاس نادران است که هم تریبونش بارها به تذکر و اخطار به هیأت رئیسه و شخص رئیس مجلس باز شده هم در مقاطعی خود را رقیب قالیباف در کرسی ریاست مجلس کرده است.

شرح در صفحه ۲

♦♦ سخن نخست



سید عباس حسینی

هشدار درباره آینده فروشی

موضوع خروج فولاد و سیمان از بورس کالا و عرضه‌ی خاص این دو کالا با هدف رونق طرح ملی مسکن در حالی مطرح شده است که پیش از این اقتصاد ایران طعم تلخ امضاهای طلایی و بحران توزیع کالای دو نرخی و رانت موجود در این حوزه را چشیده است.

پس از آن‌که وزیر راه و شهرسازی گلایه‌هایی را در خصوص قیمت فولاد و سیمان مطرح کرد، طرح‌هایی در این خصوص مطرح شد که گوشزد کردن خطرات آن بر عهده‌ی اهل فن و کارشناسان است.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

کرد که کارکرد آشکار نصب این بنرها از نگاه تبریک‌گویان، کسب سرافرازی، غرور و منزلت در رقابت با سایر قومیت‌ها و اقوام است، ولی در ضمن، کارکرد پنهان این بنرها، ارتقای منزلت اجتماعی زنان در شهری کوچک است. این اتفاق بسیار مهم است. در این شهرها تصویری بزرگ از صورت زنان بر روی بنرها می‌نشیند و این امر به شکلی سبب تضعیف نگاه مردسالارانه حاکم بر این اجتماعات می‌شود. کارکردی پنهان که اهمیتش بیشتر از کارکرد آشکار آن است. به یاد دارم که یکی از دانشجویانم درباره شهر کوچک محل سکونتش موضوع جالبی تعریف می‌کرد. می‌گفت که در شهر کوچکشان یکی از پزهای مردان، دریافت گواهینامه توسط همسرانشان است. با وجود کوچک بودن شهر، حاکمیت فرهنگ مردسالاری در آن، و وجود ساختار کم‌وبیش سنتی، اخذ گواهینامه توسط خانم‌ها در واقع وارد رقابتی مردانه شده بود. این مردان نمی‌خواستند در مقابل رقیب خودشان کم بیاورند. دراین‌بین، کارکرد پنهان چنین رقابتی همانا حضور بیشتر زنان در فضاهای شهری و تضعیف تدریجی کلیشه‌های جنسیتی بود. زنان می‌توانستند رانندگی کنند و بیشتر بیرون بروند. پیامدی که آن مردان هیچ توجهی به آن نداشتند؛ ولی در حال رخدادن بود.

واقعیت آن است که در این کشور تاکنون بنرهای متعلق به موفقیت‌های مردان، پیوسته بر درودیوار شهر نصب شده است. خوشحال باشیم که بنرهای مربوط به موفقیت‌های زنان، هر چند موفقیت‌هایی کوچک نیز در مقابل دیدگان شهر قرار گیرد. در جامعه‌ای که درج تصویر چهره زنان بر روی سنگ قبر و حتی در اعلامیه ترحیم یعنی پس از مرگ هم دفن می‌شود نصب بنرهای بزرگ از صورت زنان در شهر تحسین‌برانگیز است. در ضمن در همین شهرهای کوچک همواره شاهدیم که کوچک‌ترین انتساب‌های مدیریتی در بخش دولتی که لزوماً مبتنی بر شایستگی افراد نیست به عریض‌ترین تصاویر و عکس‌های کلوزآپ از آنان (که تقریباً همگی مرد هستند) می‌انجامد. به همین دلیل نصب بنرهای زنان را باید نویدبخش دانست.

*عضو گروه جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان

قابل توجهی می‌شود؛ ولی به گمان من، «کارکرد»های اجتماعی حاصل از نصب این بنرها با ارزش‌های جامعه سنتی در تعارض قرار می‌گیرد و در چارچوب الزامات جامعه مدرن می‌گنجد. بیشتر توضیح می‌دهم. نکته درخور تأمل آن است که برخی از قبول‌شدگان در دانشگاه، خود مخالف نصب پتر در سطح شهر بوده‌اند؛ ولی اعضای خانواده و اقوام بدون توجه به رضایت و خوشحالی فرد چنین بنرهایی را در سطح شهر نصب کرده‌اند. سخن کوتاه آنکه، چشم‌وهم‌چشمی (با بن‌مایه قومی) و خوشحالی تبریک‌گویان بدون توجه به خوشحالی فرد (که طبق ارزش‌های دنیای جدید محوریت دارد) مهم‌ترین عامل نصب بنرهاست. نادیده‌انگاشتن و در مواردی سرکوب رضایت، عقیده و اراده شخص به نفع رضایت عموم یکی از ویژگی‌های جوامع سنتی است. در واقع در این جوامع فردیت فدای جمعیت می‌شود.

البته باید اشاره کنم که در این میان انگیزه‌های دیگری، نظیر انگیزه اقتصادی هم وجود دارد. از جمله تبلیغ زود هنگام برای فردی که در دانشگاه قبول شده است. نکته جالب آنکه این تبریک‌ها غالباً به افرادی اختصاص دارد که در رشته‌های پزشکی و حقوق قبول شده‌اند. چند نفر از تبریک‌گویان بیان داشتند که با این اقدام سعی می‌کنند تا برای کسی که در دانشگاه قبول شده است زود هنگام تبلیغ کنند تا وقتی در شهر مطب یا دفتر حقوقی تأسیس کرد برای عموم مردم نام‌آشنا باشد.

ولی بن‌مایه مدرن نصب بنرها چیست؟ به گمان من نصب این بنرها بیانگر آن است که جامعه دارد از پیلهٔ تنیده بر گرد خود بیرون می‌آید. نکته قابل‌تأمل آن است که در سال‌های گذشته قبولی دختران در دانشگاه نسبت به پسران پیشی گرفته است. در نتیجه این پیشرفت، تعداد بنرهای متعلق به قبولی دختران در سطح شهر چشمگیرتر از پسران است. این خود، اتفاقی مثبت است. به‌ویژه باتوجه‌به آنکه اغلب این بنرها در شهرهای کوچکی نصب می‌شوند که دارای ساختارهای سنتی و کم و بیش فرهنگ مردسالارانه‌اند. به زبان رابرت مرتون، جامعه‌شناس آمریکایی که از «کارکردهای آشکار» و «کارکردهای پنهان» پدیده‌های اجتماعی سخن گفت، در اینجا نیز می‌توان استدلال

بنرهای قبولی کنکور با چهره زنان که نویدبخش‌اند



فردین علیخواه*

با اعلام نتایج کنکور سراسری، بنرهای داربستی بزرگی که موضوعشان «تبریک قبولی در دانشگاه» بود در برخی از شهرهای استان گیلان توجهم را جلب کرد. این بنرها در گوشه‌گوشهٔ شهر، شامل ورودی، خروجی و کنار میادین نصب شده بودند. حتی یکی از این بنرها که تبریک قبولی در رشته حقوق در دانشگاه پیام‌نور اختصاص داشت به این دلیل که رقابتی در کار نبوده، دست‌مایه شوخی عده‌ای از کاربران شبکه‌های اجتماعی شد.

لازم است یادآوری کنم که نصب بنرهای داربستی تبریک قبولی در دانشگاه صرفاً متعلق به استان گیلان نیست. این پدیده در برخی دیگر از شهرهای کوچک کشورمان نیز دیده می‌شود. به مشاهده این بنرها از خردم پرسیدم که آیا می‌توان اندکی از ظاهر عبور کرد و پدیده را در بافتی وسیع‌تر دید؟ یا به شیوه دیگری به آنها نگریست؟ این پرسش موجب شد تا با چند نفر از بومی‌ها گفتگو کنم.

نکتهٔ نخست آن است که این بنرها اغلب در شهرهایی از استان گیلان به چشم می‌خورد که هنوز زمینه‌های سنتی در آنها قوام و دوام دارد که برای مثال می‌توان به «ماسال» و «شاندزمن» اشاره کرد. به‌علاوه، در شهرهایی دیده می‌شود که دارای قومیت‌های دوگانه‌اند و همواره در رقابتی آشکار و پنهان حیات می‌گذرانند، برای مثال می‌توان به شهر فومن اشاره کرد. همچنین، این موضوع به کوچکی/بزرگی شهرها نیز بستگی دارد. یکی از ویژگی‌های شهرهای بزرگ، زوال تدریجی حیات طایفه‌ای، قبیله‌ای و همچنین افزایش گمنامی نسبی است. بر عکس، در شهرهای کوچک که امکان شناسایی اصل‌ونسب بر پایه نام خانوادگی بیشتر است زمینه برای چنین اقداماتی نیز فراهم می‌شود. در خصوص نصب بنرها، جستجوهای پراکنده‌ام حاکی از آن است که «انگیزه» اغلب تبریک‌گویان در چارچوب ویژگی‌های جامعه سنتی

اخبار

کنعانی در نشست خبری:

مسئولیت دنیاست که در مقابل رژیم افسار گسیخته اسرائیل اقدام کند

سخت‌گویی وزارت خارجه با بیان اینکه رژیم صهیونیستی با آسودگی خاطر در حال ارتکاب جنایات جنگی است، گفت: مسئولیت دنیاست که در مقابل یک رژیم افسار گسیخته اقدام کند.

به گزارش خبرنگار مهر، ناصر کنعانی در نشست خبری، با اشاره به تحولات فلسطین، اظهار داشت: براساس اعلام رسانه‌ها مدیر بخش غزه در صلیب سرخ بین‌المللی اشاره می‌کند که ما با یک فاجعه وحشتناک در غزه مواجه هستیم. این اظهار نظرهای عالی‌ترین مقامات بین‌المللی در ارتباط با وضعیت انسانی در مناطق بحران زده است.

وی با طرح این سوال که چه کسی باید چنین اظهاراتی را دریافت کند؟ گفت: آیا غیر از رژیم جنایتکار اسرائیل و دولت آمریکا که تمام عیار در حال حمایت از این جنایت‌هاست، محل خطاب چنین اظهاراتی هستند.

سخت‌گویی وزارت خارجه گفت: رژیم صهیونیستی با کمال وقاحت بیمارستان شفا در غزه را مورد حمله قرار داده است. وقتی دنیا به حمله بیمارستان المعمدانی واکنش نشان نمی‌دهند نتیجه اش این می‌شود که به مرور همه بیمارستان‌های غزه مورد هدف قرار می‌گیرد.

کنعانی افزود: مسئولیت دنیاست که در مقابل یک رژیم افسار گسیخته اقدام کند. رژیم صهیونیستی با آسودگی خاطر در حال ارتکاب جنایات وحشتناکی است که زبان از گفتن آن قاصر است.

سخت‌گویی وزارت امور خارجه تصریح کرد: امیدواریم سازمان ملل متحد به وظیفه خود در جهت توقف جنگ انجام دهد.

کنعانی در مورد دیپلماسی کشور در رابطه با تحولات غزه، افزود: ایران در ارتباط با وضعیت غزه مجموعه اقدامات مختلفی را در سطوح ملی، منطقه‌ای، اسلامی و بین‌المللی آغاز کرده و این تلاش‌ها ادامه می‌دهد.

وی عنوان کرد: تلاش ایران در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه منطقه‌ای بود که تلاش شد با رایزنی با دولت‌های مؤثر اقدامات فوری و سریع در برابر توقف جنایات رژیم اسرائیل انجام شود.

کنعانی در مورد برگزاری اجلاس ریاض، گفت: نفس و اصل برگزاری اجلاس کشورهای اسلامی قطعاً یک توفیق بود که در نتیجه تلاش‌های ایران و همکاری خوب عربستان برگزار شد.

وی تصریح کرد: برگزاری این نشست اهتمام جدی دولت‌ها در حمایت از فلسطین را نشان داد. در این چارچوب، مفاد بیانیه‌ای که در بحث حمایت از ملت فلسطین و محکوم کردن جنایات صادر شد، بسیار قوی بود.

سخت‌گویی وزارت خارجه بیان کرد: ایران در نشست‌های کارشناسی آماده سازی پیش نویس، ملاحظات خود را بیان کرد. مهم این است که این نشست با سطح عالی برگزار شد.

وی با تأکید بر اینکه تمام دنیا در قبال تحولات غزه مسئول هستند، اظهار کرد: در جلوی تمامی بیمارستان‌ها تابلوی بوق زدن ممنوع وجود دارد ولی دنیا برای رژیم صهیونیستی باید یک علامت جدی ترسیم، نقاشی و طراحی کند: حمله با موشک و گلوله‌های تانک به بیمارستان‌ها ممنوع.

وی گفت: بیمارستان‌های غزه بمباران شده و مورد محاصره کامل قرار می‌گیرند و آب و برق و گاز آن قطع می‌شود و بیماران و کودکان به دلیل قطع اکسیژن شهید می‌شوند.

کنعانی گفت: چهار موضوع اصلی در سطح اولویت‌های ایران در مورد غزه بود، اول توقف جنگ بود. دوم رفع محاصره و باز شدن گذرگاه انسانی و گسیل کمک‌های انسانی و همچنین مقابله با اقدامات قهری رژیم و کوچاندن مردم فلسطین بود.

یادداشت

که شما را می‌شناسیم می‌دانیم که ته دلت چیزی نداری و قطعاً این حرف را هم از سر دلسوزی زدی. گفتی تا نشان بدهی که اینجا و بچه‌های رشته‌های منهای فوتبال چه شرایطی نسبت به فوتبالی‌ها دارند و خواستی درد آنها را نشان بدهی. دم شما گرم!عذر خواهی هم از حسن یزدانی کردید ولی کاری که انجام دادید از خاک کردن او روی تشک کشتی بدتر بود. شما چهره تأثیر گذاری هستید و مصاحبه‌های تان هم همه جذاب. خیلی‌ها چشم‌شان به دهان شما است و هر تکه کلامی که مطرح می‌کنید تا مغز استخوان جامعه فرو می‌رود. حسن با کتف آسیب دیده اش خدا را شکر به جایزه اش هم رسید و انشاءالله که خوشبخت شود، فقط به عنوان یک همکار از شما می‌خواهم این بار که خواستید درباره کسی حرف بزنید چیزی نگویید که غیر از کتفش، از لحاظ روحی هم آسیب ببینید؛ اصلاً مثل همه آن دفعاتی که همکاران رسانه‌های مکتوب با شما تماس گرفته‌اند بگویید زیاد اهل گفت و گو نیستید و مصاحبه نمی‌کنید. شیر مادر و نان پدر حلال شما بهترین گزارشگر کشتی ایران.

بگویم مهم‌ترین علت رفتن او به مسابقات بازی‌های آسیایی همین پاداش گرفتن بوده است. حسن آقا می‌خواست بعد از این مسابقات ازدواج کند و ازدواج هم هزینه دارد و هر که باشم بیش برفش بیشتر و خانواده محترم عروس خانم هم از قهرمان دنیا توقعاتی دارند.»

اصلاً آدم می‌ماند از بعضی اظهار نظر‌ها. حالا افکار عمومی چطور فکر می‌کنند؟ یعنی حسن یزدانی " ندار " است. آیا سرنوشت زندگی اش به همین پاداش بازی‌های آسیایی گره خورده بود؟ این همه سال که در کشتی بوده، دستمزد گرفته، قهرمان و نایب قهرمان المپیک شده، پاداش‌ها و تقدیرها و ... همه و همه لنگ همین یک پاداش بازی‌های آسیایی بود؟ آن‌هم با کتف مصدوم! اصلاً از کجا معلوم بود که او در بازی‌های آسیایی صدرصد قهرمان می‌شد؟ کتفش مگر آسیب ندیده بود؛ شاید در همان مسابقه اول و دوم آسیبش جدی‌تری می‌شد و همه پاداش می‌رفت روی هوا؛ آن‌وقت جواب توقعات خانواده عروس را چه کسی می‌داد؟

آقای عامل عزیز! خدا قوت و خسته نباشی دلور؛ من و ما و سایر رفقا

ساتو با رانداز حسن یزدانی؛ خارج از تشک کشتی!



مرتضی رضایی

هادی عامل، ناخواسته، حاشیه عجیبی را برای حسن یزدانی به وجود آورد.

معمولاً هر وقت با هادی عامل تماس می‌گیری و می‌گویی: «کمی گپ بزنیم؟» می‌گویی: «زیاد اهل مصاحبه نیستیم؛ چه بگویم؟» خدا رحم کرد که هادی خان قصه ما زیاد اهل مصاحبه نیست اما وقتی

مصاحبه می‌کند زمین و زمان را بهم می‌ریزد. مثل اظهار نظرش درباره حسن یزدانی و پرده برداری از دلیل او برای شرکت در بازی‌های آسیایی. اصلاً مشخص نیست که این اظهار نظر هم درست است یا نه؟ هادی عامل گفته بود: «من خیلی ظریف گفتم که شأن و شخصیت پهلوان‌مان زیر سوال نرود اما اگر بخوایم با صداقت